

## رابطه دینداری و هوش معنوی و تأثیر آنها بر عملکرد تحصیلی دانشجویان

یاسمین عابدینی\*، استاد یار گروه علوم تربیتی دانشگاه اصفهان  
y.abedini@edu.ui.ac.ir  
نگین برات دستجردی، استاد یار گروه علوم تربیتی دانشگاه اصفهان

### چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی نقش دینداری و هوش معنوی بر عملکرد تحصیلی دانشجویان با توجه به تفاوت‌های جنسیتی بود. طرح پژوهش از نوع غیرآزمایشی یا توصیفی بود. نمونه پژوهش شامل ۱۵۰ نفر از دانشجویان کارشناسی دانشگاه اصفهان (۷۰ دختر و ۸۰ پسر) بود که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی انتخاب شده بودند. ابزارهای مورد استفاده شامل مقیاس سنجش دینداری (RAS) و پرسشنامه هوش معنوی (SIQ) بود. داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل رگرسیون چندگانه و تحلیل واریانس چند متغیری تحلیل شد. یافته‌ها نشان دهنده وجود تأثیر دینداری بر هوش معنوی و مؤلفه چهارگانه آن بود (p 01). دینداری بر عملکرد تحصیلی دانشجویان تأثیر معناداری نداشت، در حالی که هوش معنوی پیش‌بینی کننده قدرتمندی برای عملکرد تحصیلی دانشجویان بود. نمره‌های دانشجویان دختر در هوش معنوی و دینداری بالاتر از دانشجویان پسر بود. براساس یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت دینداری می‌تواند به رشد هوش معنوی کمک کرده، آن را تسهیل کند.

**واژه‌های کلیدی:** معنویت، دین، عملکرد تحصیلی، تفاوت‌های جنسیتی.

## مقدمه

اگرچه دین و دینداری<sup>۱</sup> جزء جدایی ناپذیر زندگی بشر در تمامی اعصار بوده است و قدمت آن به خلقت انسان برمی گردد، با این حال، دین پژوهی و تحقیق در مورد چیستی و چرایی آن، یکی از جدیدترین و مورد توجه ترین حوزه‌های پژوهشی در رشته های علمی و دانشگاهی، بویژه علوم انسانی است. دین به اندازه‌ای غنی، فراگیر و پیچیده است که جنبه‌های متفاوت آن در دیدگاه‌ها و نگرش های مختلف به گونه ای متفاوت جلوه می کند؛ برای مثال، نظریه پردازانی چون فروید<sup>۲</sup> (۱۹۰۷)، اریکسون<sup>۳</sup> (۱۹۸۷)، یونگ<sup>۴</sup> (۱۹۳۶)، آلپورت<sup>۵</sup> (۱۹۵۰)، فروم<sup>۶</sup> (۱۹۶۰) و فرانکل<sup>۷</sup> (۱۹۶۰) از رویکردهای مختلفی به دین نگریسته‌اند (همگی به نقل از خوش طینت، ۲۰۱۲). همه این نظریه پردازان به غیر از فروید دیدگاه مثبتی به دین و دینداری داشته و آن را مایه تکامل، تحول و به کمال رسیدن روح انسان می دانند. در این راستا، اریکسون (۱۹۸۷) معتقد است که اعتقاد به دین در مسیر به کمال رسیدن انسان برای او حمایت متقابل و مثبتی ایجاد می کند، از نظر یونگ (۱۹۳۸) تأثیر دین بر روح و روان انسان قدیمی، دیرینه و پابرجاست، آلپورت (۱۹۵۰) حس دینداری را حسی توصیف می کند که باعث می شود فرد با کل جهان هستی و معنای آن ارتباط برقرار کرده، آن را درک کند و فرانکل (۱۹۶۰) می گوید حس دینداری عمیق ترین و ریشه دارترین احساس در اعماق ضمیر ناهشیار انسان است (همگی به نقل از خوش طینت، ۲۰۱۲).

حوزه‌های مختلفی چون فلسفه، الهیات، روان شناسی، جامعه شناسی و علوم تربیتی از منظری خاص و متفاوت به پدیده دین نگریسته و تعاریف متعددی از آن را ارائه کرده‌اند که اشاره به آنها از توان و حوصله پژوهش حاضر خارج است. لذا در اینجا به ذکر چند

---

1 -religiosity

2 -Fraud

3 -Ericson

4 -Jung

5 -Allport

6 -Fromm

7 -Frankel

تعریف از دین براساس متون و منابع دینی از جمله قرآن کریم اکتفا خواهد شد: دین پیروی از یک راه و رسم اعتقادی (سوره یوسف، ۳۷ و ۳۸)، تصدیق خداوند، رسول، کتاب، قیامت و معاد (سوره های انشقاق، ۲۲ و انفطار، ۹)، تسلیم در برابر امر خداوند (سوره بقره، ۱۳۱) و اعتقاد به قانون، توحید و عبودیت خداوند (سوره یوسف، ۷۶ و ۴۰) است. علامه طباطبائی (۱۳۶۳) در تفسیر المیزان نیز دین را روشی مخصوص برای زندگی می داند که صلاح دنیا را به طوری که موافق کمال اخروی و حیات دائمی حقیقی باشد، تأمین می کند.

طی چند دهه اخیر، محققان حوزه‌های مختلف به بررسی ابعاد دینداری، ارتباط و تأثیر آن بر حوزه‌ها و عملکردهای مختلف زندگی انسان علاقه‌مند شده‌اند (آرجیل و بیت اللحمی، ۱۹۹۷؛ برگین، ۱۹۸۳؛ لويس، ریتچی و باتز (۲۰۱۱)؛ خوش طینت، ۲۰۱۲؛ آیرانیک و ثمرسیو، ۲۰۱۱؛ آمرام، ۲۰۰۷؛ خدایاری فرد، ۱۳۷۸؛ غباری بناب و همکاران، ۱۳۸۶، عابدینی و فرامرزی، ۱۳۹۱). از سویی، معنویت<sup>۱</sup> و هوش معنوی<sup>۲</sup> سازه‌های به نسبت جدیدی هستند که تعاریف کاملاً متفاوتی از دین داشته و در عین حال همپوشی‌هایی نیز بین آنها وجود دارد.

از هوش معنوی تعاریف مختلفی ارائه شده است، آمرام (۲۰۰۵) هوش معنوی را شامل حس معنا و داشتن مأموریت در زندگی، حس تقدس در زندگی، درک متعادل از ارزش‌های مادی و معنوی و اعتقاد به بهتر شدن دنیا تعریف کرده و با استفاده از مصاحبه با ۷۱ نفر از افراد مسلمان، مسیحی، بودایی، یهودی، هندو، توانسته است هفت بعد برای آن مشخص کند که عبارتند از: هشیاری<sup>۳</sup>، فیض بردن از موهبت‌های الهی<sup>۴</sup>، معنایابی<sup>۵</sup>، تعالی<sup>۶</sup> و تقدس، حقیقت‌جویی<sup>۷</sup>، تسلیم خواست و رضای خداوند شدن<sup>۸</sup> و جهت‌گیری درونی<sup>۹</sup>. برخی از محققان نیز هوش معنوی را یک سازه چهاربعدی می‌دانند؛ برای مثال، کینگ و

---

1- spirituality  
2-spiritual intelligence  
3-consciousness  
4-grace  
5-meaning  
6-transcendence  
7-truth  
8-peaceful surrender  
9-inner-directedness

دسی کو (۲۰۰۹) هوش معنوی را شامل تفکر انتقادی به هستی، ایجاد معناهاى شخصى، آگاهی متعالی و بسط هشیاری می دانند.

ایمونر (۲۰۰۲، به نقل از رجایی، ۱۳۹۱) نیز هوش معنوی را متشکل از پنج مؤلفه می داند که عبارتند از: ظرفیت برای تعالی، توانایی برای تجربه حالت های هشیاری عمیق، توانایی برای خدایی کردن و تقدس بخشیدن به امور روزانه، توانایی برای بهره گیری از منابع معنوی برای حل مسائل و ظرفیت برای تقوی و پرهیزگاری.

با اندکی اندیشه و تأمل می توان دریافت که در تعالیم دینی بسیاری از ادیان الهی؛ از جمله مسیحیت و اسلام بر برخی از ویژگی ها و ابعاد هوش معنوی اشاره شده است؛ حتی با مطالعه سیره و روش زندگانی و ویژگی های شخصیتی پیامبران الهی نیز متوجه خواهیم شد که این افراد برگزیده از هوش معنوی بالایی برخوردارند. حضرت عیسی (ع) و حضرت محمد (ص) از جمله پیامبرانی هستند که از سطح بالایی از توانمندی ها و ظرفیت های، نظیر: خردمندی، خلاقیت، دلسوزی و آگاهی معنوی برخوردار بوده اند (مک هاوک، ۲۰۰۲؛ به نقل از غباری بناب، سلیمی، سلیمانی و نوری مقدم، ۱۳۸۶ و رجائی، ۱۳۹۱). این موضوع باعث شده است که به تازگی محققان حوزه های روانشناسی و مذهب به بررسی تفاوت ها، شباهت ها و روابط میان دین و معنویت از یک سو و دین و هوش معنوی از سوی دیگر علاقه مند شوند؛ حتی از این هم فراتر هم اکنون تحقیقات سعی دارند روابط میان دینداری، هوش و توانایی های شناختی را نیز بررسی کنند (برای مثال، وایت، اسکات، لک، ۲۰۱۰؛ لويس، ریتجی و باتز، ۲۰۱۱).

در حالی که نتایج تحقیقات خارجی انجام شده در مورد رابطه هوش، توانایی های شناختی و دینداری حاکی از وجود رابطه منفی بین این متغیرهاست؛ اما تحقیقات انجام شده در مورد رابطه بین معنویت و دینداری گویای وجود رابطه مثبت بین آنهاست (آیرانیک و ثمرسیوز، ۲۰۱۱؛ کلارک، ۲۰۰۴)، و این در حالی است که بررسی ها و مطالعات داخلی و خارجی صورت گرفته در مورد رابطه دو سازه دینداری و هوش معنوی فقط جنبه نظری داشته و طی جستجوی اینترنتی صورت گرفته، هیچ تحقیق کمی و تجربی

چه در داخل و چه در خارج از کشور یافت نشد که به بررسی رابطه این دو متغیر پرداخته باشد. از جمله تحقیقات نظری انجام شده در این زمینه می توان به پژوهش صورت گرفته توسط رجایی (۱۳۹۱)، غباری بناب و همکاران (۱۳۸۶)، فینچ (۲۰۱۲) و خوش طینت (۲۰۱۲) اشاره کرد.

رجایی (۱۳۹۱) سعی کرده است مؤلفه های هوش معنوی را با متون اسلامی، عرفانی و ادبی مطابقت دهد و نتیجه گرفته است خود کنترلی که در محور و قلب تقوی و پرهیزگاری قرار دارد و یک رکن اساسی در هوش معنوی است، در قرآن کریم بسیار مورد توجه قرار گرفته است (سوره حشر، ۱۸؛ سوره مؤمنون، ۱۰-۲). جامی (۱۳۸۱) به نقل از غباری بناب و همکاران (۱۳۸۶) مؤلفه های هوش معنوی در اسلام را شامل مواردی چون: مشاهده وحدت در ورای کثرت ظاهری، تشخیص کرامت و ارزش فردی و انسانی، تشخیص معنای زندگی، مرگ و حوادث مربوط به حیات و درک زیبایی های هنری و طبیعی و حس قدرشناسی ذکر می کند.

علاوه بر تحقیقات داخلی که به آن اشاره شد، فینچ (۲۰۱۲) نیز معتقد است در قلب هر دین و مذهبی، هوش معنوی وجود دارد؛ زیرا مذهب به خودآگاهی، هشیاری عمیق معنادادن به زندگی و حوادث آن و حتی مرگ کمک می کند. خوش طینت (۲۰۱۲) نیز معتقد است سبک های مقابله ای مذهبی، تنها ویژگی مشترک در معنویت، مذهب و هوش معنوی است. از جمله پژوهش های کمی و تجربی خارجی انجام شده در این زمینه می توان به پژوهش کلارک (۲۰۰۴) اشاره کرد که رابطه هوش، دینداری و معنویت را در دانشجویان دانشگاه بررسی کرده و رابطه مثبت و معناداری بین معنویت و انجام دعا و نیایش های مذهبی و خواندن متون مذهبی گزارش کرده است. اکنون این سؤال مطرح می شود که آیا دانشجویانی که نمره های بالاتری در اندازه های دینداری کسب می کنند، لزوماً از هوش معنوی بالاتری نیز برخوردارند؟

بر این اساس و با توجه به کمبود تحقیقات تجربی در این زمینه، هدف اصلی پژوهش حاضر، مطالعه تأثیر دینداری و هوش معنوی بر عملکرد تحصیلی دانشجویان بوده و فرضیه‌های پژوهش عبارتند از:

- ۱) دینداری با هوش معنوی و مؤلفه‌های آن رابطه دارد.
- ۲) هوش معنوی دانشجویان بر عملکرد تحصیلی آنان تأثیر دارد.
- ۳) دینداری دانشجویان بر عملکرد تحصیلی آنان تأثیر دارد.
- ۴) دانشجویان دختر و پسر از نظر میزان دینداری، هوش معنوی و عملکرد تحصیلی با یکدیگر تفاوت دارند.

### روش پژوهش

طرح پژوهش حاضر غیر آزمایشی بوده و از نوع طرح‌های همبستگی است. جامعه آماری، نمونه و روش اجرای پژوهش: جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانشجویان کارشناسی دانشگاه اصفهان در سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰ بودند که با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی تعداد ۱۵۰ نفر از میان آنها انتخاب و مطالعه شدند. از این تعداد ۷۰ نفر دختر و ۸۰ نفر پسر بودند. شایان ذکر است که کلیه ابزارهای پژوهش در کلاس‌های درس و با کسب اجازه از استاد درس اجرا گردید. همچنین، ۷۳ نفر از آزمودنی‌ها از دانشکده علوم انسانی، ۳۵ نفر از علوم پایه و ۴۲ نفر از فنی-مهندسی بودند.

### ابزارهای پژوهش: برای سنجش متغیرهای پژوهش از دو ابزار زیر استفاده شد.

۱- **مقیاس سنجش دینداری (RAS):** از فرم الف پرسشنامه سنجش دینداری تهیه شده توسط خدایاری فرد و همکاران (۱۳۸۵) برای سنجش دینداری دانشجویان استفاده شد. این پرسشنامه از ۱۱۳ سؤال تشکیل شده است، که چهار مؤلفه شناخت دینی، گرایش و عواطف دینی، باورهای دینی و التزام به وظایف دینی را مورد سنجش قرار می‌دهد. کلیه سؤال‌های پرسشنامه روی یک طیف لیکرت ۵ درجه‌ای نمره‌گذاری شده است (کاملاً

موافقم = ۵ تا کاملاً مخالفم = ۱). در این جا به چند نمونه از سؤال‌های پرسشنامه دینداری اشاره می‌شود: دوست دارم حرم پیامبر اعظم (ص) را زیارت کنم، همهٔ امور زندگی به دست خداست، ابراز خشم علیه ستمگران یک وظیفه دینی است. در مصیبت فوت عزیزان صبر می‌کنم. خدایاری فرد و همکاران (۱۳۸۵) روایی پرسشنامه را با استفاده از محاسبه ضریب آلفای کرونباخ به شرح زیر گزارش کرده‌اند:

جدول ۱: ضرایب آلفای کرونباخ مقیاس سنجش دینداری

شناخت دینی	باور دینی	عواطف دینی	التزام به وظایف دینی	کل
a=۰/۸۵	a = ۰/۹۱	a = ۰/۷۸	a = ۰/۹۳	a = ۰/۹۶

شایان ذکر است که در پژوهش حاضر فقط نمره کلی دینداری دانشجویان محاسبه و وارد تحلیل شده است.

۲- پرسشنامه هوش معنوی (SIQ): برای ارزیابی هوش معنوی از پرسشنامه هوش معنوی بدیع و همکاران (۱۳۸۹) استفاده شد. این پرسشنامه متشکل از ۴۲ سؤال است که چهار مؤلفه تفکر انتقادی، مقابله با مشکلات، سجایای اخلاقی و خود آگاهی را مورد سنجش قرار می‌دهد. کلیه سؤال‌های این پرسشنامه روی یک طیف لیکرت ۵ درجه‌ای نمره‌گذاری شده‌اند (کاملاً موافقم = ۵ تا کاملاً مخالفم = ۱). در این جا به چند نمونه از سؤال‌های پرسشنامه هوش معنوی اشاره می‌شود: دربارهٔ چیزهایی که خارج از عمل من است، دچار نگرانی و تشویش می‌شوم، معتقدم که نیرویی در هر لحظه حرکات و اعمال مرا هدایت و راهنمایی و رهبری می‌کند، احساس می‌کنم نیرویی بیکران حاکم بر جهان است که مرا حمایت و پشتیبانی می‌کند، از تماشای کائنات و پدیده‌های آفرینش احساس لذت می‌کنم. بدیعی و همکاران (۱۳۸۹) مقدار ضرایب آلفای کرونباخ را برای کل پرسشنامه و چهار مؤلفه آن به ترتیب برابر با ۰/۸۵، ۰/۸۲، ۰/۸۰، ۰/۷۰ و ۰/۷۲ گزارش کرده‌اند. این محققان ساختار عاملی این پرسشنامه را با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی بررسی و چهار عامل برای آن استخراج کرده‌اند. این چهار عامل با یکدیگر ۵۸ درصد از

واریانس کل این آزمون را تبیین کرده است که گویایی روایی سازه پرسشنامه است. شایان ذکر است که معدل دانشجویان در پایان سال تحصیلی که به صورت خود گزارش دهی به دست آمد، به عنوان شاخصی از عملکرد تحصیلی آنان مدنظر قرار گرفت.

### یافته‌ها

یافته‌های پژوهش حاضر در دو قسمت اطلاعات توصیفی و یافته‌های مرتبط با فرضیه‌های پژوهش ارائه خواهد شد. ابتدا اطلاعات توصیفی گروه نمونه در رابطه با متغیرهای دینداری و هوش معنوی در جدول (۲) و سپس یافته‌های مربوط به فرضیه اول پژوهش در جدول‌های بعدی گزارش خواهد شد.

جدول ۲: میانگین و انحراف معیار دینداری و هوش معنوی

انحراف معیار	میانگین	
۱۸/۴۱	۱۳۷/۵۶	هوش معنوی کلی
۴۴/۳۵	۲۷۱/۹۴	دینداری

یافته‌های جدول (۲) نشان می‌دهد که میانگین هوش معنوی ۱۳۷/۵۶ و انحراف معیار آن برابر با ۱۸/۴۱ بوده و این مقادیر برای دینداری به ترتیب برابر با ۲۷۱/۹۴ و ۴۴/۳۵ است. در ادامه، برای بررسی هدف اول پژوهش و با استفاده از تحلیل آماری ضریب همبستگی پیرسون رابطه بین دینداری و مؤلفه‌های چهارگانه هوش معنوی بررسی می‌شود. **فرضیه اول** پژوهش: دینداری با هوش معنوی و ابعاد چهارگانه آن رابطه دارد.



جدول ۳: ضرایب همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه دینداری با هوش معنوی و مؤلفه‌های آن

سطح معناداری	مجذور ضریب همبستگی ( $R^2$ )	ضریب همبستگی (r)	دینداری مؤلفه‌های هوش معنوی
			دینداری
۰/۰۰۱	۰/۳۶	۰/۶۰ **	تفکر انتقادی
۰/۷	۰/۲	۰/۱۳	مقابله با مشکلات
۰/۰۰۱	۰/۶	۰/۲۳ **	سجایای اخلاقی
۰/۰۰۱	۰/۲۷	۰/۵۲ **	خودآگاهی
۰/۰۰۱	۰/۳۳	۰/۵۷ **	هوش معنوی کلی

\*\* P 0/01

یافته‌های جدول (۳) نشان می‌دهد که بین دینداری با هوش معنوی کلی و سه مؤلفه از مؤلفه‌های چهارگانه آن رابطه مثبت و معناداری وجود دارد که مؤلفه تفکر انتقادی دارای بالاترین میزان همبستگی با دینداری است. همچنین، مشاهده می‌شود که تفکر انتقادی دارای واریانس مشترکی برابر با ۳۶ درصد با متغیر دینداری است و این واریانس مشترک در مورد هوش معنوی کلی و دینداری برابر با ۳۳ درصد است. همچنین، مشاهده می‌شود که مؤلفه مقابله با مشکلات تنها مؤلفه‌ای در هوش هیجانی است که رابطه معناداری با دینداری ندارد. این یافته‌ها نشان می‌دهد که هرچه نمره دینداری دانشجویان بالاتر باشد، نمره هوش معنوی آنها بطور کلی و نمره آنها در سه مؤلفه تفکر انتقادی، سجایای اخلاقی، خود آگاهی نیز بالاتر است، از این رو، می‌توان نتیجه گرفت که فرضیه اول پژوهش تأیید می‌شود. در قسمت بعد یافته‌های مربوط به فرضیه دوم، سوم و چهارم پژوهش ارائه خواهد شد.

برای بررسی تأثیر دینداری، هوش معنوی و جنسیت دانشجویان بر عملکرد تحصیلی آنان از روش آماری تحلیل رگرسیون چند گانه استفاده شد که نتایج آن را در جدول (۴) مشاهده می‌کنید.

**فرضیه دوم و سوم پژوهش:** هوش معنوی، دینداری و جنسیت دانشجویان بر عملکرد تحصیلی آنان تأثیر دارد.

جدول ۴: خلاصه نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه (گام به گام) برای بررسی تأثیر دینداری و هوش معنوی کلی دانشجویان بر عملکرد تحصیلی آنان

معناداری t	T	معناداری F	F	R <sup>۲</sup>	R	شاخص‌های آماری
						متغیرها
۰/۰۰۱	۲/۸**	۰/۲۴۸	۰/۰۰۱	۷/۸۴**	۰/۰۵۲	۰/۲۳

\*p ۰/۰۰۱

یافته‌های جدول (۴) نشان می‌دهد که متغیر دینداری نتوانسته است به طور معناداری عملکرد تحصیلی دانشجویان را پیش بینی کند، لذا از معادله رگرسیون خارج شده است. بر اساس این یافته می‌توان نتیجه گرفت که فرضیه سوم پژوهش مورد تأیید واقع نشده است. همچنین، مشاهده می‌شود که هوش معنوی کلی نتوانسته است به طور مثبت و معناداری عملکرد تحصیلی دانشجویان را پیش بینی کند. به عبارت دیگر، هرچه نمره دانشجویان در مقیاس هوش معنوی بالاتر باشد عملکرد تحصیلی آنان بهتر است. مقدار ضریب رگرسیون استاندارد ( )، t و سطح معناداری آن نیز تأییدی است بر این نکته ( $P < 0/01$  و  $t = 2/8 = +0/248$ )، لذا فرضیه دوم پژوهش تأیید گردید. به عبارت دیگر، متغیر هوش معنوی ۵/۲ درصد از واریانس عملکرد تحصیلی را تبیین کرده است و ضریب رگرسیون استاندارد ( ) به ازای یک واحد افزایش در هوش معنوی عملکرد تحصیلی را به میزان ۰/۲۴۸ افزایش داده است. از این رو می‌توان نتیجه گرفت که فرضیه دوم پژوهش تأیید گردیده است.

**فرضیه چهارم پژوهش:** دانشجویان دختر و پسر از نظر میزان دینداری، هوش معنوی و عملکرد تحصیلی با یکدیگر تفاوت دارند.

جدول ۵: اطلاعات توصیفی مرتبط با دینداری، هوش معنوی و عملکرد تحصیلی دانشجویان به

تفکیک جنسیت

متغیرها	میانگین		انحراف معیار	
	پسر	دختر	پسر	دختر
دینداری	۲۷۹/۹۷	۲۶۴/۴۵	۴۷/۶۶	۳۹/۹۰
هوش معنوی	۱۳۹/۸۲	۱۳۵/۶۴	۲۱/۷۵	۱۵
عملکرد تحصیلی	۱۵/۳۰	۱۴/۸۰	۲/۹۵	۲/۴۳

جدول ۶: خلاصه نتایج تحلیل و اریانس چند متغیری برای بررسی تفاوت های جنسیتی

در دینداری و هوش معنوی

منبع	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	اندازه اثر
دینداری	۸۷۱۹/۰۳	۱	۸۷۱۹/۰۳	<sup>*</sup> ۴/۵۴	*۰/۰۳	۰/۶۸
هوش معنوی	۶۳۵/۲۲	۱	۶۳۵/۲۲	۱/۸۵	۰/۱۷	۰/۲۶
عملکرد تحصیلی	۵۶/۶۲	۱	۵۶/۶۲	۱/۴۵	۰/۱۲۹	۰/۲۱

\*p 0/05

یافته‌های جدول (۶) نشان می‌دهد بین دانشجویان دختر و پسر از نظر میزان دینداری تفاوت معناداری وجود دارد ( $F=4/54$  و  $p<0/05$ ). به عبارت دیگر، دختران از نظر دینداری نمره‌های بالاتری نسبت به پسران دارند. این یافته‌ها در حمایت از تایید فرضیه چهارم پژوهش مبنی بر تفاوت معنادار دانشجویان دختر و پسر از نظر میزان دینداری است. به عبارت دیگر جنسیت ۶۸ درصد از واریانس نمره‌های دانشجویان در آزمون دینداری را تبیین می‌کند. از طرفی مشاهده می‌شود که نمره‌های دانشجویان دختر و پسر در هوش معنوی و عملکرد تحصیلی تفاوت معناداری با یکدیگر ندارد، با این حال، میانگین هوش معنوی و عملکرد تحصیلی در دختران بالاتر از پسران است، اما از آنجایی که این تفاوت

معنادار نیست، می توان نتیجه گرفت این فرضیه که هوش معنوی و عملکرد تحصیلی دختران با پسران تفاوت معناداری دارد، تأیید واقع نشده است .

### بحث و نتیجه گیری

هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه دینداری، مؤلفه های هوش معنوی و عملکرد تحصیلی در دانشجویان و بررسی تفاوت های جنسیتی در این زمینه بود. یافته ها نشان دهنده وجود رابطه مثبت و معنادار بین دینداری و هوش معنوی کلی دانشجویان از یک سو و بین دینداری و سه مؤلفه از مؤلفه های چهارگانه هوش معنوی؛ یعنی تفکر انتقادی، سجایای اخلاقی و خود آگاهی بود. به عبارت دیگر، مؤلفه مقابله با مشکلات تنها مؤلفه ای از هوش معنوی است که اگرچه با دینداری رابطه دارد، اما این رابطه معنادار نیست. در رابطه با همسویی این نتایج با نتایج سایر پژوهش ها، شایان ذکر است که هیچ پژوهشی رابطه بین دینداری و هوش معنوی را بررسی نکرده است و اکثر تحقیقات قبلی رابطه بین دینداری و بهره هوشی (IQ) را مورد بررسی قرار داده اند، با این حال نتایج این تحقیقات نیز گویای وجود رابطه منفی و غیر معنادار بین این دو متغیر است (کلارک، ۲۰۰۴، کاسپیو و پتی<sup>۱</sup>، ۱۹۸۲؛ به نقل از فینچ، ۲۰۱۲). این محققان علت این رابطه منفی را مربوط به استفاده از نمره های خود گزارش دهی برای هوش اعلام کرده اند. احتمالاً یکی از دلایل عدم رابطه معنادار بین دینداری و مؤلفه مقابله با مشکلات از هوش معنوی در پژوهش حاضر مربوط به تفاوت بین باورها و اعمال انسان است. برای مثال، زینبویر و پارگامنت<sup>۲</sup> (۱۹۹۸) نیز در پژوهشی دریافتند که بین باورهای دینی و معنوی آزمودنی ها و اعمال آنها تفاوت وجود دارد. بنابراین، شاید بتوان گفت که دانشجویان علی رغم داشتن باورهای دینی قوی، در عمل هنگام برخورد با مشکلات از روش های مقابله ای معنوی استفاده نمی کردند. این یافته ها با یافته های پژوهش فینچ (۲۰۱۲) نیز همسویی دارد. فینچ (۲۰۱۲) و خوش طینت (۲۰۱۲) معتقدند روش های مقابله ای دینی نقطه اشتراک دینداری و هوش معنوی است.

---

1 -Cacippov & petty

2- Zinnbauer & Pargament

یافته‌ها نشان داد از بین متغیرهای دینداری، هوش معنوی و جنسیت؛ هوش معنوی تنها متغیری است که توانسته است را به طور مثبت و معناداری پیش بینی کند. این یافته‌ها همسو با یافته‌های اربابی سرجو، رقیب رضا زاده و سیادت (۲۰۱۳) مبنی بر وجود رابطه مثبت و معنادار بین هوش معنوی و عملکرد تحصیلی در دانشجویان است. در واقع، یافته‌ها حاکی از عدم رابطه معنادار بین دینداری و عملکرد تحصیلی دانشجویان است. این یافته پژوهش نیز همسو با یافته‌های تحقیقات قبلی انجام شده در این زمینه است (کلارک، ۲۰۰۴).

همچنین، یافته‌ها نشان می‌دهد که رابطه بین دینداری و مؤلفه‌های چهارگانه هوش معنوی در دانشجویان دختر و پسر تفاوت دارد. به عبارت دیگر، سه مؤلفه تفکر انتقادی، خودآگاهی و مقابله با مشکلات در دختران، رابطه‌ای قوی و معناداری با دینداری دارد، در حالی که در پسران، فقط رابطه بین دینداری و سجایای اخلاقی قوی و معنادار است. با این حال، الگوی کلی هوش معنوی در دانشجویان دختر و پسر تفاوت معناداری ندارد. این یافته‌ها همسو با یافته‌های کویر، سینق و سینق (۲۰۱۲) مبنی بر عدم تفاوت معنادار دانشجویان دختر و پسر از نظر هوش معنوی است. با این حال، یافته‌ها حاکی از تفاوت معنادار دانشجویان دختر و پسر از نظر دینداری بود. این یافته‌ها همسو با یافته‌های کالت و لیزارد (۲۰۰۸) مبنی بر تفاوت‌های جنسیتی در دینداری است. یافته‌های این محققان نشان دهنده نمره‌های بالاتر دختران در دینداری نسبت به پسران است. احتمالاً یکی از دلایل تفاوت‌های جنسیتی در دینداری مرتبط با جامعه‌پذیری متفاوت دختران و پسران است.

از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر، انتخاب گروه نمونه از بین دانشجویان دانشگاه اصفهان است. پیشنهاد می‌شود، تحقیقات بعدی برای دست‌یابی به نتایج دقیق‌تر و قابل تعمیم، نمونه خود را از میان سایر اقشار جامعه خصوصاً دانشجویان رشته‌های الهیات و معارف اسلامی و دانش‌آموزان مقاطع راهنمایی و دبیرستان انتخاب نمایند. از جمله کاربردهای پژوهش حاضر، تقویت روحیه دینداری در دانشجویان از طریق انجمن‌های

علمی- فرهنگی دانشجویی و در نتیجه آشنایی بیشتر آن ها با سبک های مقابله ای دینی و در نتیجه رشد هوش معنوی در آنان است.

## منابع

- قرآن کریم. ترجمه الهی قمشه‌ای (۱۳۷۰). قم: انتشارات اسوه.
- بدیع، علی رضا، سواری، احمد، باقری دشت بزرگ، نوید. و لطیفی، واحد. (۱۳۸۹). **ساخت و اعتباریابی پرسشنامه هوش معنوی**. اولین همایش ملی روان‌شناسی دانشگاه پیام نور تبریز.
- خدایاری فرد، محمد.، غباری بناب، باقر و شکوهی یکتا، محسن. (۱۳۷۸). **تهیه مقیاس اندازه‌گیری اعتقادات و نگرش مذهبی دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف**، تهران: دانشگاه صنعتی شریف.
- خدایاری فرد، محمد.، فقیهی، علی نقی، غباری بناب، باقر، شکوهی یکتا، محسن. و به‌پژوه. احمد. (۱۳۸۵). **آماده‌سازی و هنجاریابی مقیاس سنجش دینداری در جامعه دانشجویی کشور**. طرح پژوهشی. دانشگاه تهران، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.
- رجائی، علی. (۱۳۹۱). **هوش معنوی: دیدگاه‌ها و چالش‌ها**. پژوهشنامه تربیتی، ۱۵، ۱-۱۹.
- طباطبائی (علامه)، سید محمد حسین. (۱۳۶۳). **المیزان فی تفسیر القرآن**. قم: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی.
- عابدینی، یاسمین و فرامرزی، سالار. (۱۳۹۱). گزارش کیفی از آموزه‌های دینی در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی. **پژوهش‌های کاربردی روان‌شناختی**، ۱۳، ۱-۱۰.
- غباری بناب، باقر؛ سلیمی، محمد؛ سلیمانی، لاله؛ و نوری مقدم، ثریا. (۱۳۸۶) **هوش معنوی**. اندیشه نوین دینی، ۱۰، ۱۴۷-۱۲۵.

Amram, Y. (2007). *The seven dimensions of spiritual intelligence: An ecumenical, ground theory*. Paper presented at 115th annual conference of the American psychological association, sanfrancisco, CA, August 17-20.

- Arbabisarjou, A., Raghieb, M., Rezazade, S., & Siadat, S. A. (2013). The relationship between emotional intelligence, spiritual intelligence, and student's academic achievement. *World of Sciences Journal*, 1(8), 45-51.
- Argyle, U., and Bit-Hallahmi, B. (1997). *The psychology of religious behavior, belief and experience*. London: Routledge.
- Ayranic, E., & Semersioz, F. (2011). The relationship between spiritual Leadership and Issues of spirituality and Religiosity: A study of top Turkish manager. *International Journal of Business and Management*, 6(4), 136-149.
- Bexgin, A. E. (1983). Religiosity and mental health: Aritical-evaluation and meta-analysis. *Professional Psychology: Research and Practice*, 14 (2), 170-184.
- Callett, J. L., & Lizardo, O. (2008). A power-control, theory of gender and religiosity. University of Notre Dame, Department of sociology.
- Clartk, R. (2004). Religiousness, spirituality and IQ: Are they linked?. *Exploration: An Undergraduate Research Journal*, 3, 35-47.
- Einch, G. (2012). Spiritual intelligence: Core of religion. retrieved from <http://www.ffrf.orglfttoday/> April 2012/ Weinberg quotes thml.
- Kaur, H., Singh, V., & Singh, P. (2012). Emotional intelligence: Significance of psychology and spirituality. *Pakistan Journal of Social and Clinical Psychology*, 9(2), 32-36.
- Khoshtinat, V. (2012). A review on relationship between religion, spirituality, spiritual transcendent, spiritual intelligence with religious coping. *International Research Journal of Applied and Basic Sciences*. 3(9), 1916-1934.
- Lewis, G. J., Ritche, S. J., & Bates, T. C. (2011). The relationship between intelligence and multiple domains of religious belief: Evidence from a large adult US sample. *Intelligence*, 39, 468-472.
- Ring, D. B., & Decicco, T. L. (2009). A viable model and self report measure of spiritual intelligence. *International Journal of Transpersonal Studies*. 28, 68-85.

- Shite, J., Scott, S. M., & Lock, C. W. (2010). *The relationship between protestant fundamentalism, religiosity, and intelligence*. Paper presented at the southwestern. Psychological Association Convention, Dalas tx, April 8.
- Zinnbauer, B., & pargament, K. (1998). Spiritual conversion: A study of religiouschange among college student. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 37, 1, 61-180.